

فواید، عوامل و موانع



محمد مهدی فجری

آیین اسلام - مبدأ تاریخ مسلمانان است و زیربنای همه حوادث سیاسی، تبلیغی و اجتماعی ما را تشکیل می‌دهد.

اهمیت هجرت

قرآن کریم در آیات متعددی بر مسئله هجرت تأکید و آن را توأم با ایمان و جهاد ذکر می‌کند؛ چنان که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»^(۱) «آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد

یکی از دستوره‌های سازنده اسلام، هجرت است. هجرت، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که نه تنها در آغاز اسلام، اساسی‌ترین نقش را در پیروزی حکومت اسلامی ایفا کرده است؛ بلکه در هر زمان دیگر نیز از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است؛ چرا که از یک سو مؤمنان را از تسلیم در برابر فشار و خفقان محیط باز می‌دارد و از سویی دیگر، عامل صدور اسلام به نقاط مختلف جهان است.

جالب این است که هجرت - آن هم نه برای حفظ خود بلکه برای حفظ

دانستند باید به این وظیفه عمل کنند و از هیچ چیز حتی مرگ نهراسند؛ زیرا پاداش «مهاجر» با خدا و بالاتر از بهشت است.

هجرت، درخشنده‌ترین برنامه‌ای بود که در اسلام پیاده شد و سرآغاز فصل جدیدی از تاریخ اسلام شد. به نظر می‌رسد اگر مسلمانان به فرمان رسول خدا ﷺ هجرت نمی‌کردند نه تنها اسلام از محیط مکه فراتر نمی‌رفت؛ بلکه ممکن بود در همان منطقه، دفن و فراموش شود.

انواع هجرت

در دین اسلام به چند نوع هجرت اشاره شده است:

۱. هجرت درونی

مهم‌ترین هجرت، مهاجرت از گناهان و آلودگیهای درونی است؛ به تعبیر دیگر این هجرت مقدمه سایر هجرتهاست. اگر این مرحله به درستی انجام نپذیرد آثار سایر هجرتها را نیز زیر سؤال خواهد برد. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «وَيَقُولُ الرَّجُلُ هَاجَرْتُ وَ لَمْ يُهَاجِرْهُ إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ

کردند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند.»

آنچه در آیه شریفه به وضوح روشن است آنکه ایمان، هجرت و جهاد، همچون تقوا در رأس همه ارزشهاست و فوز و رستگاری، تنها در سایه ایمان، هجرت و جهاد است.

سپس خداوند متعال در سومین سوره قرآن کریم، اهمیت هجرت را این‌گونه بیان می‌فرماید: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^(۱) «کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست و خداوند، آمرزنده و مهربان است.»

این آیه شریفه نیز تأکید می‌کند که مسلمانان مکلف به وظیفه‌اند، نه نتیجه. اگر هجرت را وظیفه خویش

مهم‌ترین هجرت، مهاجرت از گناهان و آلودگیهای درونی است؛ به تعبیر دیگر این هجرت مقدمه سایر هجرت‌هاست

السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يَأْتُوا بِهَا؛^(۱) بعضی می‌گویند مهاجرت کرده‌ایم، در حالی که مهاجرت واقعی نکرده‌اند. مهاجران واقعی کسانی‌اند که از گناهان هجرت می‌کنند و مرتکب آن نمی‌شوند.»

۲. هجرت برای حفظ دین خود

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ قَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ وَكَانَ رَفِيقَ مُحَمَّدٍ وَابْرَاهِيمَ»^(۲) کسی که برای حفظ آیین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر حتی به اندازه یک وجب مهاجرت کند استحقاق بهشت می‌یابد و یار [و هم‌نشین] محمد و ابراهیم علیهم‌السلام خواهد بود (زیرا این دو پیامبر بزرگ،

پیشوای مهاجران جهان بودند).»

بهترین داستانی که قرآن کریم برای این هجرت بیان می‌کند، داستان اصحاب کهف است. آنان در محیط و زمانی می‌زیستند که بت پرستی و کفر، آنها را احاطه کرده بود و یک حکومت جبار و ستمگر که معمولاً حافظ و پاسدار شرک، کفر، جهل، غارتگری و جنایت است بر سر آنان سایه شوم افکنده بود؛ اما این گروه از جوانمردان

که به فساد این آیین پی بردند، تصمیم به قیام گرفتند و چون توانایی بر مقابله با آن حکومت جبار و بت پرست را نداشتند ناچار برای نجات خویشتن و یافتن محیطی آماده تر تصمیم به هجرت گرفتند؛ البته چنان که از آیه ۴۱ سوره نحل مشخص است نمی‌توان فوراً میدان مبارزه را خالی کرد؛ بلکه لازم است تا حد توان، ایستادگی و تحمل کرد؛ اما هنگامی که تحمل آزار دشمن جز جسارت او و تضعیف مؤمنان ثمری نداشته باشد، در اینجا باید مهاجرت را برگزید تا با کسب قدرت بیش‌تر و فراهم ساختن سنگرهای محکم‌تر،

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۶۸، ص ۲۳۲ و الغارات، ابراهیم بن محمد ثقفی، قم، موسسه دارالکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۳۴۳.
۲. تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۵۴۱.

است شرعی که خداوند متعال در آیه ۱۲۲ سوره توبه بر آن تصریح می‌فرماید. بررسی تاریخ نشان می‌دهد هجرت برای تقویت دین نه فقط در اسلام که در ادیان گذشته نیز سابقه داشته است؛ چنان که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آنکه از آتش نمرود سالم ماند و دل‌های آماده را به سوی خویش جذب کرد، همراه مؤمنان برای گستردن دعوت حق، به سوی شام، فلسطین و مصر (سرزمین فراعنه) روانه شد و توانست در آن مناطق، حقیقت توحید را تبلیغ کند و مؤمنان فراوانی را به پرستش خداوند یگانه بخواند.^(۳)

همچنین اکثر پیامبران نیز پیامبران تبلیغی بوده‌اند، نه تشریحی. آنان مروج و مبلغ شریعتی بوده‌اند که حاکم بر زمانشان بوده است. پس از پیامبران و ائمه معصوم علیهم السلام که تمام تلاش خود را برای ترویج دین به کار گرفته‌اند، وظیفه‌شناسی و سپس عمل به وظیفه، مهم‌ترین مسئله‌ای است که بر عهده

جهاد در تمام زمینه‌ها از موضع بهتری تعقیب شود و به پیروزی طرفداران حق در زمینه‌های نظامی، فرهنگی، تبلیغاتی منتهی گردد.

۳. هجرت برای آموختن علم و دانش

قرآن کریم در آیه ۱۲۲ سوره توبه از عده‌ای از افراد مستعد تحصیل دعوت می‌کند تا برای تحصیل و تفقه در دین از شهر و دیار خویش خارج شوند: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^(۱) «شایسته نیست مؤمنان، همگی رهسپار شوند؛ پس چرا از هر گروهی دسته‌ای رهسپار نمی‌شوند تا از دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی یابند و پس از بازگشت، مردمشان را بیم دهند؟! شاید [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند و خودداری کنند.»

۴. هجرت برای تقویت دین

پس از آنکه تعلم و تفقه در دین، به نحو قابل قبول انجام شد، مهم‌ترین وظیفه، هجرت است تا آموخته‌ها در اختیار دیگران قرار گیرد. این وظیفه‌ای

۲. برگرفته از: تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۰، ص ۴۰۳.

عالمان و دانش آموختگان مکتب امام صادق علیه السلام سپرده شده است.

وظیفه شناسی

امروز شاهدیم که در گوشه گوشه کشورمان، دشمنان فرهنگی نفوذ کرده‌اند و با ترفندها و ایجاد شبهه جوانان را منحرف می‌سازند. همچنین دیگر فرقه‌های ساختگی و نوظهور با زیباترین کلمات در صدد دور کردن جوانان از دین اسلام‌اند؛ همچنین دیگر روستاهای بسیاری وجود دارد که از نعمت روحانی محروم‌اند و گاه افرادی که از برخی کشورها تأمین می‌شوند جای خالی روحانیان را پر می‌کنند و عهده دار نماز و احکام شرعی شیعه و سنی می‌شوند. این مسئله در زمانی

اتفاق می‌افتد که روحانیان بسیاری از همان منطقه در قم، مشهد، کاشان و ... قصد توطن کرده‌اند و با اینکه می‌دانند وجودشان در این گونه شهرها اثر مهم و قابل اعتنایی ندارد و می‌دانند که مناطق بسیاری تشنه یک جرعه از معارف اسلامی‌اند و از نبود این جرعه در حال نابودی‌اند؛ اما در لزوم هجرت و ترک

زندگی آرام خود به تردید افتاده‌اند؛ در حالی که هزینه کردن زندگی، خانواده و آبرو برای عمل به وظیفه و صیانت از اسلام، سیره علما و پاسبانان دین اسلام بوده است.

شهید آیت الله مدرس علیه السلام در کتاب زرد خود می‌نویسد: «در نجف، مرجعیت شیعیان به من پیشنهاد شد، اما خودم فکر می‌کردم لازم است به خاطر مسلمانان به هند بروم و به کار تشکیل حوزه و مجامع اسلامی بپردازم. مدتی درنگ کردم، به این نتیجه رسیدم که ملت ایران هزینه سنگینی را متحمل شده و مرا برای خدمتگزاری به این مرتبه رسانده است. حال به من نیاز دارد و من آنان را رها نمی‌کنم.»^(۱)

نکته قابل تأمل این است که هر کس در شناخت وظیفه به دو امر توجه داشته باشد:

اول: آیا وظیفه‌ای در قبال هجرت دارد یا نه؟
دوم: اگر وظیفه او هجرت است،

۱. درسهای مدرس، تحقیق محمد مهدی فجری، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، بی تا، ص ۱۹.



خلاصه آنکه تشخیص وظیفه، مسئله‌ای شخصی است و هر کس باید وظیفه خود را بشناسد و بر طبق آن عمل کند و در قبال آن پاسخگو باشد. روحانیان، مرزدارانی هستند که اگر وظیفه خویش را نشناسند و طبق آن عمل نکنند، فرصت نفوذ را در اختیار دشمنان قرار داده و به نوعی آنان را در رسیدن به اهدافشان یاری کرده اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالنَّعْرِ الَّذِي يَلِي ابْلِيسَ وَ عَقَارِيئُهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَيَّ ضَعْفَاءَ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ ابْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ التَّوَّاصِبُ الْأَفَمَنِ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ ... أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَذْيَانِ مُحِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ»^(۱)

علمای شیعیان ما در مرزی هستند که در سوی دیگر آن، ابلیس و دار و دسته‌اش هستند. اینان مانع می‌شوند که شیاطین بر ضعفای شیعیان ما حمله کنند و ابلیس و پیروان ناصبی‌اش بر آنان مسلط شوند. آگاه باشید، هر کس از شیعه ما خود

این وظیفه، اقتضای چه فعلیتی و چه مکانی را دارد؟

در جواب این دو سؤال، به بیان یک نمونه اکتفا می‌کنم: یکی از دوستان در یک سال برای تدریس دروس حوزوی در دو شهر دعوت شد. یکی از این شهرها از شهرهای مهم حوزوی بود که اساتید متعدد و روحانیان بسیاری داشت و دیگر شهری بود که تعداد روحانیان بسیار کمی داشت. وقتی این استاد برای انتخاب این دو گزینه با من مشورت می‌کرد به ایشان گفتم شما در هر دو منطقه موفق، و استقبال مردمی نیز در هر دو شهر از شما خوب خواهد بود؛ اما میزان موفقیت شما و نیاز مردم در شهر دوم دهها برابر شهر اول است. افزون بر این، حضور نیافتن شما در شهر اول به علم آموزی و تربیت طلاب لطمه نمی‌زند و روحانیان بسیاری در این منطقه هستند تا به بیان احکام دینی در میان مردم بپردازند؛ اما با حضور شما در منطقه دوم علاوه بر استفاده طلاب، مردم نیز از فیض وجودتان بهره می‌برند.

۱. الاحتجاج، علامه طبرسی، نشر مرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ ق. ج ۱، ص ۱۷.

را به این مرزرداری بگمارد، مقامش از کسانی که با رومیان و ... جهاد کردند هزار هزار بار بالاتر است، بدان سبب که چنین مرزرداری از دین دوستان ما دفاع می‌کند، در صورتی که آنان از بدن ایشان دفاع می‌کنند.»

فواید هجرت

پس از نبوت رسول خدا ﷺ هجرت، سرمایه ای برای تقویت اسلام شد. پیامبر اکرم ﷺ با اعزام سفیران و مبلغان به نقاط مختلف جزیره العرب و دیگر نقاط جهان (ایران، روم شرقی، مصر، یمن و ...) دو هدف عمده را تعقیب می‌کرد: اولین هدف، دعوت به توحید و رساندن پیام توحید به اقصی نقاط عالم، و هدف دیگر این بود که مردمی که سالها در جزیره العرب و در یک قبیله با فکر قبیله‌ای بزرگ شده اند، حصارهای قبیله‌ای را بشکنند و دنیای خارج از مرزها را ببینند و مطالعه کنند. این اقدام اسلام باعث شد تا مسلمانان با فرهنگها و انسانهای مختلف روبه رو شوند و رشد فکری داشته باشند.

در بررسی تواناییهای روحانیان، به

ویژه در نظام جمهوری اسلامی و نیز مرور کارنامه درخشان مبلغان گرامی، به ظرفیتهای فوق العاده‌ای برمی‌خوریم که به جرأت می‌توان نام اکمال نعمت بر آن نهاد و عدم شکرگزاری عملی در برابر این نعمت را باعث عواقب ناگوار دانست. به یقین هجرت، بهترین راه برای به فعلیت رساندن این ظرفیتهای است؛ البته ناگفته نماند که استفاده از این ظرفیتهای برای برخی در شهرهای حوزوی نیز فراهم است؛ اما به یقین، آثار استفاده از این تواناییها در هجرت، غیر قابل مقایسه با قم و ... خواهد بود؛ چرا که یک استاد یا امام جماعت در قم خواهد توانست حداکثر از یک یا دو ظرفیت خود در راه تبلیغ دین استفاده کند و مهم‌تر آنکه دیگران، نبودن این شخص را در قم جبران می‌کنند؛ اما حضور چنین شخصی در منطقه دیگر، عاملی برای استفاده از تمام ظرفیتهای خواهد شد و زمینه را برای استفاده فرصت طلبان خواهد بست؛ زیرا آنان به دنبال کم‌ترین رخنه می‌گردند تا به اهداف شوم خود برسند.

ندارد؛ برای نمونه، هجرت مرحوم آیت الله یثربی^۱ به کاشان، پیش از انقلاب به کارهای فرهنگی فراوان و بی نظیری منجر شد و تأسیس حوزه علمیه به دست ایشان، ثمرات فوق العاده‌ای داشت که قابل مقایسه با دیگر خدمات نیست.

امروز بسیاری از فارغ التحصیلان آن حوزه پس از طی مراحل علمی در قم، مسئولیتهای مختلف فرهنگی از جمله امامت جمعه، استاد و مدیر حوزه‌های علمیه را به عهده گرفته‌اند. اکنون که با شاگردان آنان در شهرهای مختلف تماس دارم، از طرفی موفقیت هر یک را ثمره همان شجره طیبه می‌بینم و بر روح آن مؤسس بزرگ درود می‌فرستم و از طرف دیگر از خود می‌پرسم اگر آیت الله یثربی^۱ به این هجرت - که با سختیهای فراوانی مواجه بود - تن نمی‌داد و در حوزه علمیه قم می‌ماند، چه مقدار از این موفقیتها را در پرونده خویش به ثبت می‌رساند؟

تنها یکی از شاگردان آن فرزانه، تأسیس چندین حوزه علمیه، تأسیس مدارس راهنمایی و دبیرستان ویژه ایتم

در این مجال به برخی از ظرفیتهای اشاره می‌شود که در وجود هر روحانی وجود دارد و در هجرت به منصف ظهور می‌رسد:

۱. تربیت طلاب

یکی از ثمرات پربرکت زندگی مبلغ، حضور در حوزه های علمیه شهرستانها به عنوان مدیر یا استاد است. سالهای متمادی است که با حوزه علمیه شهرهای مختلف در ارتباطم و ثمرات خدمت خالصانه مدیران و اساتید موفق را مشاهده کرده‌ام. بر این اساس اعتقاد دارم که فعالیت آموزشی و پرورشی در حوزه علمیه، درخت پر ثمری است که به جز آیه شریفه «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»^(۱) «کلمه پاک و نیکو مانند درخت پاک نیکو است که ریشه آن ثابت و استوار و شاخه‌هایش در آسمان است و ثمرات و میوه‌هایش را در همه وقت به اذن پروردگارش عطا می‌کند»، مصداقی

۱. کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد. (ابراهیم/ ۲۴ و ۲۵).

و کودکان مستمند - با جهت گیری فرهنگی و تربیتی - احداث چندین مرکز فرهنگی و خدماتی برای ترویج اسلام ناب محمدی ﷺ را در پیرونده خویش دارد.

چنین است که شهید مطهری ﷺ می فرمود: «اگر بگویم مقام تبلیغ اسلام، رساندن پیام اسلام به عموم مردم، معرفی و شناساندن اسلام به صورت یک مکتب، از مرجعیت تقلید کم تر نیست، تعجب نکنید؛ مقامی است در همان حد.»^(۱)

شاید به همین علت است که اکثر علما مهم ترین وظیفه خود را تربیت طلاب علوم حوزوی می دانستند و بر تأسیس حوزه علمیه اصرار می ورزیدند.

۲. انذار مردم

یکی از مهم ترین علل فرستادن انبیا و رسل الهی، انذار و تربیت مردم بوده است. رسول خدا ﷺ در طول ۲۳ سال رسالت خویش به دنبال چنین وظیفه ای بود؛ وظیفه ای که به راحتی و ارزان به

انجام نرسید؛ بنابراین پس از آنکه یک روحانی، به تربیت علمی و اخلاقی خویش پرداخت، مهم ترین وظیفه اش اصلاح امور دینی و دنیوی مردم است. امام صادق ﷺ ذیل آیه شریفه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^(۲) می فرماید: «مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَخْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا»^(۳) هر کس نفسی را از گمراهی خارج و به هدایت وارد کند مانند این است که آن نفس را زنده کرده و هر کس آن نفس را از هدایت خارج کرده و به گمراهی بکشاند، به تحقیق که او را کشته است.»

امام راحل ﷺ می فرمود: «توجه داشته باشید که آخوند، شغلش بزرگ ترین شغلها و مسئولیتش بزرگ ترین مسئولیتهاست. یک شخص روحانی می تواند یک ملت را نجات بدهد و یک شخص روحانی می تواند یک ملت را به تباهی بکشد. توجه داشته باشید که مبدا از آن اشخاص بشوید که یک ملت را

۲. مانده / ۳۲.

۳. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش. ج ۲، ص ۲۱۰.

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۴۱۳.



جانشین انبیا و اولیای الهی است که وظیفه خودسازی و سپس انسان سازی را بر عهده دارد. ظرفیت وجودی یک روحانی همانند انبیا، همه انسانها و همه سلايق را شامل شده است و وظیفه دارد در راهبرد اهداف خویش به دنبال مردم برود و آنان را با وظایفشان - که اولین قدم در راه معالجه روح است - آگاه سازد. در طول تاریخ نیز این انبیا و ائمه علیهم السلام و جانشینان آنان بوده اند که در پی ارشاد مردم رهسپار می شده اند و احدی از آنان در انتظار درخواست و یا دعوت مردم نبوده است.

مناسب می دانم که در این مجال به ذکر خاطره ای اشاره کنم که هم تفاوت بین کار روحانی و متخصصان علوم پزشکی - که هر دو برای سلامت جامعه زحمت می کشند - روشن تر شود و هم معنای آیه ۳۲ سوره مائده به وضوح آشکار شود.

یکی از مبلغان در یکی از شهرها، کانون قرآنی تأسیس کرد و از همه ظرفیتهای برای شرکت مردم به ویژه جوانان در برنامه های قرآنی استفاده

به تباهی بکشید. از آن اشخاص باشید که یک ملت را به سعادت برسانید یا شعاع شما در هر جا هست، آنها را به سعادت برساند؛ با ارشاد شما مردم هدایت بشوند.^(۱)

همچنین می فرمود: «اگر در یک محل، یک روحانی متعهد باشد، آن محل را تصفیه می کند و اگر در هر یک از بلاد چند نفر روحانی باشند که آنها آن طور که باید، آن طور که دستور اسلام است باشند، از باب اینکه مردم تبعیت از آنها می کنند، مردم هم اصلاح می شوند و با اصلاح مردم یک جامعه صحیح پیش می آید.»^(۲)

بنابراین اگر بالاترین متخصصان رشته های مختلف پزشکی را در نظر بگیریم خواهیم دید آنان وظیفه دارند نهایت تلاش خویش را در راه نجات جان چند انسان به خرج دهند و آنان را از خطر مرگ یا نقص عضو نجات دهند و این عمل که در اسلام، کاری بس مهم است، در حیطه تخصص آنان و به شرط مراجعه بیمار به آنها است؛ اما روحانی

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۲.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

خدمت‌رسانی علاوه بر ثواب و پاداش بسیاری که بر آن مترتب است آثار و برکات فراوانی در موفقیت روحانی و جلب مردم به سوی دین دارد. یک روحانی می‌تواند علاوه بر خدمت فکری و فرهنگی، خدمت رسانی اجتماعی، حمایت از محرومان و مشکل‌گشایی از مردم را در رأس برنامه‌های خویش قرار دهد که این کار از بزرگ‌ترین برنامه‌هایی است که وی می‌تواند انجام دهد.

یکی از مبلغان از جمله کارهای یک ساله خویش در یکی از روستاهای محروم را رفع مشکل آب روستا بیان می‌کرد که با پیگیریهای مکرر به سرانجام رسیده است؛ به یقین، تلاش یک مبلغ برای رفع مشکل یک روستا از صدها سخنرانی و دعوت جوانان به سوی دین مؤثرتر است. این لطف، محبت و رسیدگی عاطفی به مردم از مهم‌ترین دستورهای امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر است: «وَأَشْعُرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ»^(۱) دل

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، موسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام، قم، بوستان کتاب،

جست. جذابیت برنامه‌ها به گونه‌ای ادامه یافت تا روزی یکی از جوانان، دوست خوش صدا و ترانه‌خوان مراسم عروسی را همراه خود به کانون آورد و مورد استقبال گرم مسئول کانون قرار گرفت و این جوان، کم‌کم جزء اعضای کانون قرار گرفت.

اکنون، آن ترانه‌خوان مجالس لهُو و لعب، یکی از بهترین قاریان قرآن در سطح آن استان و مشغول فعالیت‌های قرآنی و فرهنگی است و شاید تاکنون جوانان بسیاری را همانند خود به سوی قرآن و دین جذب کرده باشد.

۳. خدمت‌رسانی

از دیگر برنامه‌های انبیا، اولیا و علما، خدمت‌رسانی به مردم بوده است. وقتی امام سجاد علیه السلام را غسل می‌دادند، دیدند علاوه بر هفت موضع سجده ایشان که پینه بسته بود، پشت حضرت نیز پینه بسته است. معنای آثار پینه در پشت آن بزرگوار، این است که در مسیر خدمت به مردم نیز مانند مسیر عبادت باید بسیار تلاش کرد. در این صورت است که تبلیغ، اثرگذار خواهد بود.



خدمت‌رسانی علاوه بر ثواب و پاداش بسیاری که بر آن مترتب است آثار و برکات فراوانی در موفقیت روحانی و جلب مردم به سوی دین دارد

مردم تلاش می‌کرد که برای نمونه، احداث مهدیه در همدان، احداث درمانگاه، راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه، احداث حسینیه و حمام در دره مراد بیک همدان، احداث مدرسه و راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه در قصر شیرین و احداث هیجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بومین زهرا از جمله آنهاست.

هجرت شهید محراب حضرت آیت الله صدوقی علیه السلام به استان یزد قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز آثار بسیاری را به همراه داشته است. بنا و تعمیر ۱۸ مسجد، ۱۹ مدرسه علوم دینی، تأسیس چند خیریه، بیمارستان، مکتب الزهراء علیها السلام، صندوق قرض الحسنه، درمانگاه و مرکز تحقیقات اعصاب و روان، نمونه‌هایی

از خدمات ایشان است؛^(۳) در حالی که

خویش را سرشار از مهربانی و محبت و لطف به مردم و زبردستان کن.»

بر همین اساس در سراسر زندگی علمای بزرگوار دین، روح خدمت‌رسانی را به عیان مشاهده می‌کنیم. مرحوم آیت الله خادمی علیه السلام علاوه بر تشکیل پرجمعیت‌ترین و پرمایه‌ترین مجالس درس و تربیت شاگردان بسیار در اصفهان، خدمات فرهنگی و عمرانی فراوانی را از خود به یادگار نهاد که تأسیس چندین کتابخانه، مسجد و انجمن خیریه، جمع‌آوری کمک برای رسیدگی به محرومان جامعه و حتی مسلمانان خارج از کشور و نیز رسیدگی به خانواده‌های زندانیان و تبعیدیان دوران ستم شاهی از جمله آن است.^(۱)

همچنین همواره در خدمت مردم بودن، یکی از خصوصیات اخلاقی شهید محراب آیت الله مدنی علیه السلام در طول زندگی حتی در دوران تبعید بود. ایشان به هر شهر یا روستایی که می‌رفت برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی

نامه ۵۳.

۱. یتیمان سرافراز، محمد مهدی فجرى، قم، انتشارات مهر امیر المومنین علیه السلام، چاپ سوم،

ص ۱۳۳.

غَيْرِ أَنْ يُنْقِصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْءٌ؛^(۱) هر کس سیره و روش خوبی را در جامعه بنیان نهد اجر آن سیره و اجر کسانی که تا قیامت به آن سیره عمل می‌کنند برای او خواهد بود؛ بدون آنکه از اجر عاملان به آن، چیزی کاسته شود.»

زیباتر آنکه مردم، سالهای سال از این خدمات استفاده می‌کنند و آن را نه به نام یک فرد، که از آن به نام اسلام و روحانیت یاد می‌کنند. اینها نمونه‌ای از هزار نمونه کارهایی است که یک مبلغ در محل تبلیغ خود می‌تواند انجام دهد، در حالی که روی گرداندن از هجرت، استعدادها و توانایی آنها را خاموش می‌کند.

طبخ و طبق برنامه، میان نیازمندان پنخشی

شد که در طول ماه مبارک به تناوب به هر خانوار، چهار شب غذا تحویل می‌شد. نکته مهم اینکه پس از گذشت پانزده سال از آن اقدام، همچنان این برنامه در میان خیرین آن منطقه ادامه دارد و چه زیباست کلام رسول خدا ﷺ که فرمود: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ